



علی اعطا

عضو هیئت‌رئسه و سخنگوی پیشین شورای شهر پایتخت

در هفته‌های اخیر بار دیگر زرمزه‌های حصر میدانگاه تئاتر شهر مطرح شده و اراده تازهای معطوف به تفکیک این فضای شهری از عرصه عمومی شهر شکل گرفته است. میدانگاه تئاتر شهر از جمله عرصه‌های عمومی شهری است که همواره نحوه مواجهه با آن و مداخله احتمالی در آن محل چالش و منازعه بوده و دیدگاه‌ها و اراده‌های متفاوت و گاه متضادی در این‌باره مطرح شده است. مجموعه دلایل و توجیهاتی که برای محصورکردن عرصه عمومی اطراف تئاتر شهر مطرح می‌شود، عبارت‌اند از: نابسامانی فضا، حضور بی‌نظم و قاعده‌دست‌فروشان، تجمع معتادان به‌ویژه بعد از تازیک‌ی هوا، عدم امنیت برای هنرمندان و هنردوستان و در نهایت آسیب به بنا و اقداماتی نظیر سرت قو برخی از اجزای نمای بیرونی این بنای ارزشمند میراثی و آسیب‌های دیگر به آن. اینها مجموعه عواملی است که بارها مبنای استدلال به نفع ضرورت محصورکردن میدانگاه تئاتر شهر مطرح شده و بر این مبنا، نگاهگاه معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری تهران در توافقاتی شفاهی یا منتشرنشده، تصمیم به دیوارکشی اطراف این محوطه گرفته‌اند. در این رابطه چند نکته شایان ذکر است:

(یک) از محصوریت و دیوارکشی (ولو شیشه‌ای) اطراف میدانگاه تئاتر شهر، به «تعیین حریم» تعبیر شده است. گفته شده این بنای ارزشمند که در فهرست ملی نیز به ثبت رسیده است، نیاز به حریم دارد و بنابراین باید از طریق دیوار (ولو دیوارنرده یا دیوار شیشه‌ای) آن را تعیین حریم کرد. این برداشت از حریم صحیح نیست. حریم، مترادف با دیوارکشی و جداسازی فیزیکی نیست. حریم محدوده‌ای است که معین می‌شود تا قواعد خاصی از حیث کاربری و فعالیت، مداخله فیزیکی و بصری و مسواری از این قبیل در آن حاکم شود. بنابراین تعیین حریم بنای معماری ارزشمند تئاتر شهر، نباید و نمی‌تواند توجیهی برای تفکیک آن از فضای عمومی شهر شود.

(دو) آیا تنها راه چاره مسائلی نظیر آشفتنگی و نابسامانی فضا، عدم امنیت و حضور پررنگ گروه‌های اجتماعی نامرتب با کاربری اصلی مجموعه یا آسیب‌های فیزیکی بنا، تفکیک فیزیکی و محروم‌کردن ذی‌نفعان اصلی شهر یعنی عموم شهروندان از حضور در این عرصه عمومی است؟ گمان نمی‌کنم. در دوره عضویت در پارلمان پنجم پایتخت، مسائل مربوط به فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی را با حساسیت زیادی دنبال

عکس: سجاد آریسانیان، تهران

پر آشوب است که متأسفانه یا شاید هم خوشبختانه در معرض بازدید عموم قرار ندارد. در کنار اینها مجموعه زیادی از فضاها و سالن‌ها و ورزش قهرمانی و خدماتی هم وجود دارد که البته شکوه و جلوه بناهای اصلی و قدیمی‌تر را مطلقا ندارند. این بنا را باید به‌عنوان یک اثر ملی ثبت کرد و ساخت‌وساز و احداث بناهای جدید در آن را در چارچوب یک طرح یکپارچه و جامع هدایت کرد که بناهای بدقواره و بی‌تناسب بیش از این باعث خدشه بصری و تضاد هویتی به کل مجموعه نشود. متأسفانه ساخت‌وسازهای بعدی هیچ اثری از صلابت، شکوه و سادگی بناهای اولیه را ندارند؛ اما از اینها بدتر شرایط جاری و معضلاتی جدی است که به دلیل بی‌وجهی و عدم رسیدگی در این مجموعه ورزشی خاطره‌انگیز و غرور آفرین حادث شده است. برخی از این معضلات به شرح زیر است:

● فرسودگی و آسیب‌پذیری سازه ساختمان‌های اصلی به‌ویژه استادیوم فوتبال که می‌تواند بسیار خطرناک باشد. در برخی جاها خوردگی بتون درخور توجه است و اگر در زمان‌های حضور جمعیت سازه دچار مشکل و ریزش شود، با یک فاجعه روبه‌رو خواهیم شد. ● فرسودگی زیرساخت‌ها نظیر تأسیسات، لوله‌کشی، پمپ‌ها، فاضلاب، کابل‌های برق و… که نیازمند توجه جدی است. بروز یک مشکل جدی به‌ویژه در زمان یک مسابقه بین‌المللی می‌تواند به اعتبار ورزش و آبروی کل مملکت خدشه وارد کند. ● آشفتنگی در سیما و منظر به‌ویژه در سالان ۱۲ هزار نفری و استخر که نما دچار خوردگی و فرسودگی شده و منظر بسیار ناموزون و زشتی را پیش چشم قرار داده است. ریختگی نماها و زشتی حاصل از آن به‌هیچ‌وجه در شأن یک مجموعه ملی و نمادین یک کشور نیست. مجموعه‌ای از ساخت‌وسازهای بی‌هویت و ناموزون با کلیت مجموعه که آشفتنگی بصری مجموعه را تشدید کرده است و از طرف دیگر تعدادی ساخت‌وسازهای رهاشده در کنار دریاچه و ضلع شمال غرب مجموعه که حس بی‌توجهی و رهاشدگی را القا می‌کند.

طبیعی است که بهسازی و ساماندهی مجموعه ورزشی آزادی به منابع مالی کلان و صدها میلیارد تومان بودجه نیاز دارد که در شرایط موجود کشور به طور قطع امکان تأمین آن از سوی دولت وجود ندارد. در این شرایط برای بازسازی، ساماندهی و مرمت مجموعه ورزشی آزادی باید به سمت مشارکت و سرمایه‌های بخش خصوصی رفت. مجموعه ورزشی آزادی حدود ۳۵۰ هکتار فضا دارد و هنوز جای برای توسعه و تعریف انواع پروژه‌ها با

مشارکت بخش خصوصی وجود دارد. هرچند نباید به این مجموعه نگاه اقتصادی داشت، اما در نهایت در بخش‌هایی از آن با توجه به قابلیت‌های پیدای و پنهان مکانی، شهرت و برند مجموعه، جذابیت‌های فوق‌العاده مکانی به واسطه فضای سبز و وجود دریاچه، دسترسی مناسب و وجود ایستگاه مترو می‌توان نسبت به

## نقدی بر رویکرد محصورسازی عرصه عمومی اطراف تئاتر شهر با توجیه ساماندهی فضا میدانگاه تئاتر شهر و تحدید فضای عمومی

می‌کردم. در همان ایام وقتی چنین مسائلی به‌عنوان توجیه حصر میدانگاه تئاتر شهر مطرح بود، از سوی این‌جانب و جمعی از دوستان، پیشنهاد ساماندهی و برنامه‌ریزی و مدیریت بهره‌برداری از میدانگاه تئاتر شهر مطرح بود. تئاتر شهر به‌عنوان قطب تئاتر کشور ظرفیت‌های متعددی دارد تا فضای پیرامونی خود از آن تغذیه کند. چرا به جای پیشنهاد محصوریت -که قاعدتا ساده‌ترین راه‌حل پیش‌رو است- طرح ساماندهی فضا و مدیریت میدانگاه و تدوین طرح بهره‌برداری از آن در دستور کار قرار نمی‌گیرد؟ وقتی یک میدانگاه عمومی ویژگی‌های برجسته‌ای از حیث فرهنگی و هنری دارد، می‌توان برای بهره‌برداری از آن برنامه مشخصی را با همکاری همه ذی‌نفعان با موضوع برنامه مدیریت این فضای همگانی مطرح کرد که متضمن برنامه‌ریزی رویدادهایی از قبیل اجرای منظم و مستمر تئاترها و نمایش‌های خیابانی یا کنسرت موسیقی در فضای باز باشد. اگر چنین شود که در بسیاری از شهرهای توسعه‌یافته نیز چنین است، مسائلی نظیر امنیت عمومی، حل مسئله آشفتنگی و نابسامانی فضا و نظایر آن به شیوه‌ای نرم‌افزاری قابل حل خواهد بود.

(سه) حصر میدانگاه تئاتر شهر، گامی در جهت تحدید عرصه عمومی و تضییع حقوق

شهروندی است. عرصه عمومی اطراف تئاتر شهر متعلق به همه شهروندان است. با هیچ توجیه و استدلالی نمی‌توان و نباید دست به حصر و محدودسازی این فضا زد و آن را تبدیل به فضایی اختصاصی کرد.

در پایان باید گفت فضای شهری اطراف تئاتر شهر از بهترین نمونه‌های میدانگاه‌های شهری است که در قلب فرهنگی و هنری پایتخت واقع شده است. تقاطع خیابان‌های ولیعصر و انقلاب، با نزدیکی به مراکز متعدد فرهنگی و هنری، دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، تالار وحدت، تئاترها و سینماها و کافه‌ها و سایر اماکن فرهنگی و هنری قلب تپنده فرهنگ و هنر پایتخت است که بنای ارجمند تئاتر شهر نیز در آن واقع شده است. مجموعه توجیهاتی که برای حصر میدانگاه اطراف آن که از مهم‌ترین و مؤثرترین میدانگاه‌های پایتخت است، مطرح می‌شود، در خوشبینانه‌ترین حالت بیانگر برخوردی سطحی و غیرمسئولانه با یک فضای عمومی و کارکرد اصیل آن است. مواجهه‌ای که پیام جدایی فرهنگ و هنر و اهالی آن از مردم، تحدید فضای عمومی شهر و تضییع حقوق عمومی شهروندان را به همراه دارد.

نگاهی به ضرورت ایمن‌سازی، نوسازی و بهسازی مجموعه ورزشی آزادی

# استادیوم آزادی در خطر



یک بودجه کلان، ظرف دو سال مجموعه ورزشی آزادی که آبروی ورزش و نمادی از ایران است، بازسازی و نوسازی و به‌روزرسانی می‌شد؛ اما متأسفانه تحقق این آرزو به‌هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست و دولت و کشور آن‌قدر با مشکلات اساسی‌تری روبه‌رو هستند که حتی گوشی برای شنیدن وجود ندارد مگر اینکه خدای ناکرده یک اتفاق یا فاجعه تلنگری بزند و بودجه‌ای اختصاص یابد. با فرض اینکه بودجه‌ای نیست و آرزوی اینکه حداقل در کوتاه‌مدت با یک فاجعه مواجه نشویم، امیدوارم مدیریت مجموعه و وزارت ورزش و جوانان با تصمیم‌سنجیده و برنامه‌عقلانی و فکرشده بتوانند مشارکت بخش خصوصی را برای توسعه، بهسازی، نوسازی و به‌روزرسانی این مجموعه فاخر ملی جلب کنند و با پیگیری بیشتر بتوانند منابع لازم را از بخش تلویزیونی و سایر منابع به دست بیاورند.

«آزادی»، فراتر از ورزش، نمادیک مملکت است و نامش هم آرمان دیرپای ایرانیان برای آزادی و استقلال را تداعی می‌کند. این مجموعه باید این قدر فاخر و با عظمت و پاکیزه و مرتب باشد که هرایرانی در داخل و خارج مانند گذشته به وجود آن ببالد و احساس افتخار، سربلندی و عظمت کند.

دسترسی، عدم اختلال در کارکردهای موجود مجموعه به‌مثابه مرکز اصلی برگزاری مسابقات بین‌المللی و توسعه ورزش قهرمانی و انواع مسائل فنی و اجرایی هم باید مسورد توجه قرار گیرند. بسیار ضروری است که در تعریف پروژه‌ها مجموعه به تأمین منابع پایدار و مشارکت در سود فکر کند؛ به‌طوری‌که سهمی از درآمدهای پایدار به دست بیاورد تا به‌تدریج و با اولویت از این منابع بهسازی و نوسازی مجموعه ورزشی را در دستور کار قرار دهد.

در کنار این موضوع، پیگیری و تحقق اقدامات زیر می‌تواند منجر به درآمدهای پایدار بیشتری برای مجموعه بشود:

● دریافت سهمی از بخش تلویزیونی مسابقاتی که در مجموعه برگزار می‌شود، به‌ویژه درصدی از دریافتی سازمان صداوسیما از تبلیغات قبل، حین و بعد از مسابقات.

● دریافت سهمی از درآمدهای مالیاتی و… دولت از طریق وزارت ورزش و جوانان.

● دریافت سهمی از تبلیغات محیطی دور ورزشگاه که با کمال باور و جدیت خود مجموعه از آنها سهمی ندارد.

ای‌کاش کشور با این بحران اقتصادی روبه‌رو نبود و با اختصاص

احداث برخی پروژه‌های دارای توجیه اقتصادی با مشارکت بخش خصوصی اقدام کرد. آورده و سهم مجموعه از این سود می‌تواند صرف نوسازی و بهسازی بناها و زیرساخت‌های خود مجموعه شود. در این مجموعه امکان تعریف و اجرای مجموعه‌ای از پروژه‌ها شامل انواع سالن‌ها و امکانات ورزشی برای عموم یا با تمرکز بر ورزش قهرمانی، فضاها و کاربری‌های تفریحی و حتی کاربری‌های تجاری و… وجود دارد. برای اینکه امر اتفاق بیفتد، مدیریت مجموعه و وزارت ورزش و جوانان باید نسبت به تهیه یک برنامه جامع توسعه ورزشگاه مبتنی بر رویکردهای علمی و متناسب با شأن و جایگاه مجموعه اقدام و بسته‌های تعریف پروژه را تهیه کنند. خیلی باید دقت شود که این پروژه‌ها در عین اینکه بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری ترغیب می‌کنند، شأن ورزشگاه و منافع عمومی را هم تأمین کنند و سودآوری صرف و خواسته‌های بخش خصوصی تنها مبنا و نیروی تعریف پروژه نباشد.

در طراحی پروژه‌ها باید طراحی شهری و سیما و منظر حاکم بر ورزشگاه هم مدنظر قرار گیرد و خدای نکرده ساخت‌وساز بناهای بی‌ربط و بدقواره جلوه بصری و کلیت مجموعه را بیش از این مخدوش نکند. سایر مسائل مهم و کلیدی مانند ترافیک،

طبیعی است که به‌سازی و ساماندهی مجموعه ورزشی آزادی به منابع مالی کلان و صدها میلیارد تومان بودجه نیاز دارد که در شرایط موجود کشور به طور قطع امکان تأمین آن از سوی دولت وجود ندارد. در این شرایط برای بازسازی، ساماندهی و مرمت مجموعه ورزشی آزادی باید به سمت مشارکت و سرمایه‌های بخش خصوصی رفت.

نفری در پس‌زمینه آب دریاچه در جهت جنوب در پیش چشم ناظر قرار می‌گیرد. حسی فوق‌العاده زیبا و فرح‌بخش که بعضا با مشاهده تمرینات حرفه‌ای قایق‌رانان در دریاچه تکمیل می‌شو. فضای سبز و درختانی که اکنون کهن‌سال شده‌اند و فرح‌بخشی دریاچه در محوطه مجموعه یک واحه دلنشین در دل یک شهر

مروری بر فعالیت و مشارکت زنان در حوزه توسعه اجتماعی شهر

# توسعه محله‌ای به دست زنان



فائزه خواجهازاده

پژوهشگر اجتماعی

یکی از مشکلات شهری تهران، نداشتن حس تعلق خاطر در میان شهروندان است. مسائل بسیاری باعث به‌وجودآمدن این حس در میان شهروندان شده است. اجاره‌نشینی و جایه‌جایی‌های بی‌دردی فرصتی برای شکل‌گیری حس تعلق به شهر، به شهروندان تهرانی نمی‌دهد. همچنین توسعه شهر تهران در چند دهه اخیر، بافت‌های قدیمی تهران را نیز چندپاره کرده است.

در هر حال ما با شهری مواجه هستیم که به دلایل بسیار، بیشتر از آنکه شهروند داشته باشد، شهرنشین دارد. افرادی که روزانه در شهر تردد می‌کنند، به خانه می‌روند و در شهری زندگی می‌کنند که گستردگی کنترل‌ناپذیر آن حس بیگانگی را بر آنها تحمیل می‌کند. بیگانگی و عدم تعلق به زندگی شهری، همواره شهروندان را از آن‌چه دارند، ناخشنود می‌کند و این امر زمینه‌ساز عدم موفقیت مدیران شهری خواهد بود.